

## معرفی کتاب



سید مصطفی محقق داماد

سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، ۱۳۷۲

۲۹۶ صفحه، ۳۲۰ تومان.

زمانی از همه کتب قواعد فقه که توسط فقیهان عامه نوشته شده‌اند، قدیمتر است و به این سبب امامیه را باید موجد این رشته محسوب کرد.

با این حال آنچه تاکنون درباره قواعد فقه نگارش یافته است جز معدودی از کتابهای چاپ شده، جملگی به زبان عربی بوده‌اند. گرچه در این باره اساتیدی از جمله مرحوم شهابی، علی بابا فیروز کوهی و به تازگی، آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی، و دکتر ابوالحسن محمدی نیز قواعد فقه را به زبان فارسی نوشته‌اند؛ هنوز جا دارد که کتابهایی تحقیقی در این موضوع به نگارش درآید که خوشبختانه اخیراً سازمان مطالعه و

تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) جلد دوم کتاب قواعد فقهی اثر دکتر سید مصطفی محقق داماد را منتشر ساخت. این کتاب چند ویژگی دارد: نخست آنکه مؤلف به واسطه تسلط به حقوق اسلامی و قوانین ایران از جمله قانون مدنی، در بیان و شرح قواعد فقهی، فقه و حقوق را در هم آمیخته و در برخی موارد، به تطبیق و مقایسه این قواعد با حقوق غرب نیز پرداخته است. دیگر اینکه در نگارش و بیان مطالب، توان دانشجویان در نظر

نگارش قواعد فقه توسط فقیهان مسلمان سابقه‌ای بس طولانی دارد؛ اما در این میان نقش فقهای امامیه از دیگران بیشتر است تا آنجا که می‌توان ادعا کرد آنچه فقیه نامبردار سده هفتم هجری، نجیب‌الدین یحیی بن سعید حلّی نگاشته است از نظر

در «پیشگفتار سمت» آمده است: این کتاب به عنوان منبع اصلی درس قواعد فقه دوره کارشناسی ارشد و به ارزش ۲ واحد در نظر گرفته شده است.



سید محمدحسن موعصی

نشر میزان، زمستان ۱۳۷۳

۲۹۰ صفحه، ۴۵۰ تومان

کتاب مشتمل بر ۱۶ مقاله است. برخی از این مقالات، پیش از این، در مجلات و فصلنامه‌های حقوقی انتشار یافته؛ اما این بار با بازنگری و ویرایش تازه به چاپ رسیده است. دیگر مقالات برای نخستین بار در اختیار علاقه‌مندان فقه و حقوق قرار می‌گیرد.

عناوین گفتارهای کتاب عبارت است از: تحقیقی درباره سن بلوغ، مصلحت و پایه‌های فقهی آن؛ بی‌ی یا جرم سیاسی از نظر اسلام؛ ارتداد و احکام آن از نظر منابع حقوقی در اسلام؛ قاعده اقرارالعقلا؛ بحنی پیرامون قتل عمد، شبه عمد و

گرفته شده است و به رغم روانی، دقت عالمانه و مستند بودن مطالب، از ایجاز ممل و اطناب مخل نیز پرهیز شده و سعی شده است که حق مطلب گزاشده شود. مزیت دیگر، مطلبی است که در مقدمه کتاب آمده است. این مقدمه که «سیرتاریخی نگارش قواعد فقهی» نام دارد، از نوآوریهای مؤلف شمرده می‌شود و نشان‌دهنده احاطه ایشان است به تاریخ این رشته از علم فقه. در این فصل سابقه و تاریخ نگارش قواعد فقه در میان مذاهب اسلامی بیان شده و سرانجام به طور مستند، تقدم فقهای امامیه در این باره اثبات شده است.

آن طور که دکتر محقق داماد در مقدمه کتاب گفته‌اند این کتاب، جلد دوم و بخشی دیگر از مجموعه‌ای است که با نام «قواعد فقه» به جامعه علمی و دانشگاهی کشور تقدیم خواهد شد. کتاب، علاوه بر پیشگفتار و مقدمه کتاب شامل ۱۵ فصل دیگر است به این شرح: کلیات، قاعده شروط، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده تسلیط، قاعده تعدد و با به مدلول عقد، قاعده لزوم، قاعده الزعیم غارم، قاعده رضاع، قاعده مایضمن، قاعده تحذیر، قاعده ابراء، قاعده اعراض، قاعده اسقاط، قاعده احسان و قاعده التلف فی زمن الخیار ممن لایخیار له. به طوری که در پیشگفتار کتاب آمده است مجموعه قواعد فقه، حداقل در سه بخش کلی قواعد فقهی مدنی، قواعد فقهی جزایی و قواعد فقهی قضایی تنظیم شده که جلد اول و دوم آن دربرگیرنده قواعد فقهی مدنی است و تاکنون منتشر شده است. دکتر محقق داماد در پیشگفتار جلد دوم چاپ جلد سوم را در آینده‌ای نزدیک وعده کرده‌اند.

شیعه کار کرده‌اند، بوده باشد....». همین بینش روشن موجب شده است تا بیشتر عقاید مؤلف، با نظریه مشهور فقها و قوانین موضوعه متفاوت باشد از جمله سن بلوغ در دختر و پسر، مجازات مرتدان، مسأله دیات، مجازات قاتلان همدست و....

دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام ابواب تازه‌ای را فرا راه فقها، حقوقدانان و دانش پژوهان و قانونگذار می‌گشاید و اثری است عالمانه و در خور تأمل.



مباحثی در جامعه‌شناسی حقوق ایران

عباس عبیدی با همکاری سیرا کلهر

انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱

۱۵۲ صفحه، ۱۱۰ تومان.

به رغم آنکه پیشگامان جامعه‌شناسی از جمله وبر و دورکیم نسبت به حقوق و قواعد حقوقی حساسیت بسیار داشتند و گاه تشریهای خود را بر محور مسائل حقوقی ارائه کرده‌اند، در جامعه ما با وجود گذشت چندین دهه از تولد علم جامعه‌شناسی،

خطای محض؛ اکراه در قتل؛ آیا همه شرکای در قتل را می‌توان قصاص کرد؛ قسامه؛ بحثی تاریخی، اقتصادی و فقهی درباره دیات ششگانه به همراه جدول انواع و مقادیر دیات و تبدیل آن به وزن نقره؛ دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم؛ بررسی موارد ناهماهنگی مسائل مربوط به دیات با مقتضیات زمان؛ ضمان عاقله؛ حق و اقسام آن از دیدگاههای مختلف فقهی و مکتب‌های حقوقی؛ و میزگردی پیرامون تجدیدنظر در احکام دادگاهها.

در این کتاب، نویسنده، ضمن حفظ حرمت مبانی فقهی احکام اسلامی و شأن فقیهان اسلامی، با درک روشن از مقتضیات زمان و این واقعیت که احکام شرع از نظر ائمه معصومین (ع) همواره ثابت نبوده و وظیفه مجتهد، محض، جستجو و شناخت احکام ثابت از احکام متغیر است، به جای تعبد محض و متعصبانه به اقوال برخی از اعظام، فقها اصالت را به آیات و روایات داده‌اند. مؤلف در بخشی از مقدمه می‌گوید: «نویسنده، اساس نظرات خود را کتاب، سنت، عقل و بنای عقلاء قرار داده و اجماع فقها را جزو ادله احکام نمی‌داند، بلکه می‌تواند مؤیدی بر گفتار و نظرات او بوده باشد؛ و اجماع از نظر وی نه یک دلیل عقلی است و نه یک دلیل نبی، بلکه از اجتهادات فقهاء عظام انتزاع شده است. پیروی از اجتهادات مجتهدین از مصادیق تقلید محسوب می‌گردد که بدون حجت شرعی نمی‌تواند هیچگونه جنبه شرعی جز برای مقلدین آن مجتهد داشته باشد... به این ترتیب، این نوشتار می‌تواند نقطه آغازی برای تجدید و احیای مسایل حقوق جزا که در آنها کمتر فقهاء و بویژه فقهای



به این نکته که هیچ نظام حقوقی از این کاستیها گزیری ندارد، گفته شده است که باید دید کدام نظام حقوقی کمترین تفاوت میان واقعیت و حقوق را سبب می‌شود و سپس این عوامل را تشریح کرده است:

**الف)** بخشی از این تعارضها مربوط به ماهیت حقوق صوری یا آیین دادرسی است و به اینکه راههای اثبات حق و جرم در جامعه و دادگاه با یکدیگر انطباق ندارند. برای مثال روشهای اثبات جرم در دادگاه، استناد به اقرار، شهود، قرائن و شواهد است؛ در حالی که مردم بیشتر از طریق شهودی و قیاسی افراد را محکوم می‌کنند.

**ب)** پس افتادگی قوانین نسبت به تحولات جامعه از علل دیگر بروز فاصله میان واقعیت و حقوق است که این پس افتادگی هم در شکل و هم در محتوا ممکن است به وقوع بپیوندد. در کتاب، پس افتادگی در محتوا یا تحولات رخ داده در مفهوم مالکیت، حاکمیت اراده، حقوق زن و مسئولیت مدنی شرح شده و سپس موارد متعددی از شکل‌گرایی که منجر به پس افتادگی شکلی در حقوق می‌شود طرح شده است.

**ج)** تقابل میان حقوق موضوعه با عرف، عادت و اخلاق جامعه، به ویژه در جوامعی که در آنها، تأثیر و اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا مردم به طور عادی روابط خود را بر اساس عرف و عادت تنظیم می‌کنند؛ در حالی که صدور حکم محاکم بر حسب موازین قانونی است.

**د)** عدم اطلاع از قانون. اگر قوانین به درستی به اطلاع جامعه نرسد یا بر اثر تحولات سریع اجتماعی این امکان کمتر شود یا قوانین ثبات نداشته، به سرعت تغییر یابند، بخش زیادی از

هنوز شاخه جامعه‌شناسی حقوقی در اولین گامها و مراحل است؛ حال آنکه شاخه‌های دیگر جامعه‌شناسی چون جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی روستایی، و جامعه‌شناسی آسیب‌شناسی نسبتاً پربارترند. در نتیجه تعداد کتابهایی که تألیف یا ترجمه شده‌اند و مستقیماً به جامعه‌شناسی حقوقی مربوط باشند، کمتر از انگشتان یک دست است. از این نظر کوشش نویسنده و همکارانش را می‌توان مقدمه‌ای برای طرح بیشتر و گسترده‌تر مباحث جامعه‌شناسی حقوقی دانست.

کتاب با این سؤال به ظاهر ساده و احیاناً عمومی آغاز می‌شود که چرا عده‌ای از مردم با وجودی که واقعاً محق هستند، در محاکم قضایی ایران موفق به احقاق حق خویش نمی‌شوند؟ چه علل و عواملی در بروز این امر دخالت دارند؟

کتاب مباحثی در جامعه‌شناسی حقوقی ایران که حاصل چند سال برخورد و رویارویی نویسنده با مسائل و مشکلات حقوقی مراجعه‌کنندگان به دادستانی کل کشور است، در صدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است. نویسنده با دستیابی به پرونده‌های موجود در محاکم و مطالعه آنها و گفتگو با قضات عالی رتبه کوشیده است تا این علل و عوامل را که بیانگر تضاد و یا شکاف میان واقعیت (آنچه که اتفاق افتاده) و حقوق (آنچه که حکم داده شده) است بیانگرش جامعه‌شناسی تشخیص دهد و به دسته‌بندی منطقی آنها بپردازد. در این کتاب پس از بحث درباره مفاهیم اولیه تحقیق، برای ورود به موضوع، چارچوبی نظری و عام و مشتمل بر عواملی که در یک نظام حقوقی ممکن است منجر به تضاد بین واقعیت و حقوق و در نتیجه تضییع حق شود، ارائه شده و ضمن اشاره



اعضای جامعه نسبت به آن جاهل باقی می‌مانند و در نتیجه، روابط خود را با دیگران بدون در نظر گرفتن آن قوانین تنظیم می‌کنند.

۵) وجود تعارضات داخلی در نظام حقوقی جامعه. این امر موجب سوءاستفاده یکی از طرفین دعوا می‌گردد. کسانی که آشنایی کافی به قوانین دارند یا وکیل می‌گیرند، می‌توانند از این تعارضات به نفع خود استفاده کنند.

نویسنده پس از توضیح درباره هر یک از بندهای فوق وارد مبحث جامعه شناسی حقوقی ایران شده و پس از بحثهای مقدماتی درباره فلسفه حقوق در ایران و ثبات و تحول در حقوق ایران و اسلام، به رابطه علم و حقوق می‌پردازد و سپس تغییرات مهم حقوقی در ایران را از جمله در اصل مالکیت - با توجه به محدودیت قلمرو و نیز مفهوم آن - و محدودیت اعمال حق مالکیت، و نیز اصل حاکمیت اراده حقوق زن، حقوق سیاسی و حقوق عمومی مورد بحث قرار می‌دهد و سرانجام در مهمترین بخش کتاب به تحلیل و چگونگی عوامل مؤثر بر تضاد و واقعیات و حقوق در حقوق فعلی ایران می‌پردازد. این بخش که مهمترین بخش کتاب است، ترکیبی است از یافته‌های میدانی و مبانی نظری تحقیق که در ذیل دو عنوان «عوامل مربوط به جامعه» و «عوامل مربوط به حقوق» و همراه با ذکر اهم مصادیق آنها در جامعه ایران مطرح شده است.

در فصل عوامل مربوط به جامعه، ابتدا تأثیر عرف و اخلاق مورد بحث قرار گرفته و در این مورد موضوعاتی از قبیل تعدد زوجات، شیوه‌های حل اختلاف در روستاها و عشایر از جمله حل اختلافهای راجع به قتل، ارث، حقوق زوجین، دیه

عاقله، و ماههای حرام نیز مطرح شده است. همچنین روابط میان گروههای خاص از جمله بازاریها و عامل عدم اطلاع از قانون مورد بحث قرار گرفته است. مسائلی از قبیل قولنامه، چک، تبدیل مفاهیم و موارد کیفری به حقوقی، قانون کار، بی صلاحیتی بنگاههای تنظیم کننده روابط حقوقی میان مردم، پس افتادگی سخت افزار حقوقی نسبت به نرم افزار حقوقی از جمله در قضیه ثبت املاک و اسناد موارد مطرح شده دیگر است.

در فصل عوامل مربوط به حقوق، پس افتادگی حقوقی از دو نظر «پس افتادگی شکلی» و «پس افتادگی تحلیلی» شده است و با ذکر این نکته که عقاید مذهبی با شکل‌گرایی همراه است، مصادیق این نوع از پس افتادگی را در عناوینی چون نحوه پرداخت دیه، تفاسیر شورای نگهبان از قوانین ربا، شروع حبس از روز صدور حکم، ادله اثبات دعوا و مسأله بلوغ در دختر و پسر بیان کرده است.

همچنین در قسمت تعارضات داخلی نظام حقوقی، به عدم رعایت اصول و ضوابط فنی قانونگذاری، تعداد زیاد قوانین و وجود نسخ و منسوخ غیر معلوم و مبادی متعدد قانونگذاری اشاره شده است. در آخرین بررسی از خلال بحث، پیرامون فروض قانونی و مسأله مرور زمان و تجدیدنظر، به ماهیت حقوق صوری و آیین دادرسی پرداخته شده است.

نویسنده در فصل پایانی به ذکر مصادیق دیگری از این تعارضات پرداخته تا خواننده را نسبت به موضوع و اهمیت آن واقفتر کند و در پایان نیز پیشنهادهایی را برای کاهش تضاد بین واقعیت و حقوق در ایران ارائه کرده است.

در این کتاب از وضعیتی بحث می‌شود که در آن، پس از تحقق عناصر سه گانه جرم و استقرار مسئولیت کیفری، فردی که علی‌الاصول به موجب قانون مستحق مجازات است به جهاتی که ممکن است مربوط به وضعیت خاص جانی یا مجنی‌علیه یا مصالح عمومی جامعه باشد، از مجازات رهایی می‌یابد. در فصل نخست، موارد شخصی سقوط مجازات مشتمل بر فوت محکوم علیه، و توبه و گذشت متضرر از جرم مورد بررسی قرار گرفته و در فصل دوم که به موارد عینی سقوط مجازات‌ها اختصاص دارد، از مقولاتی چون عفو، نسخ قانون جزایی و مرور زمان کیفری بحث شده است.

دکتر محمدعلی اردبیلی دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در مقدمه‌ای که بر این کتاب زاید، چنین آورده است:

«موضوع سقوط مجازات یکی از فصول بحث انگیز حقوق کیفری است. قواعد و مسائل مربوط به اسباب سقوط مجازات به دلیل پراکندگی آنها در لابلای کتابهای فقهی سبب شده است که خواننده نتواند چنانکه باید درک فراگیر از آرا و اقوال فقهی پیدا کند. نویسنده سختکوش که خود به این نکته واقف بوده توانسته است در یک کتاب سودمند تمامی قواعد و دقایق موضوع سقوط مجازات را در یک جا گرد آورد و به شیوه‌ای نو که همان تحلیل موضوعی است به تحقیقی جامع دست بزنند...»

## سقوط مجازات

در حقوق کیفری  
اسلام و ایران



تألیف:  
عباس شیری

عباس شیری

جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، زمستان ۱۳۷۲  
۲۹۲ + بیست صفحه، ۲۸۰ تومان.

آذر ماه سال ۷۳ در فعالیتی مشترک که از سوی معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی و معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان «انتخاب کتاب سال دانشجویی» به انجام رسید، کتب برتر برگزیده شد و در مراسمی که با حضور ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در لار علامه امینی برگزار شد، دانشجویان مؤلف به یافت جوایزی نایل گردیدند.

کتاب سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و آن در میان کتب مربوط به گروه علوم انسانی به دوم و در میان کتب حقوقی واصل شده به تیر دبیرخانه، مقام اول را احراز کرد.